

کتاب دانیال — شماره یک صد و بیست

آشکار ساختن نشانه‌های نبوتی: درک تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس

Jeff Pippenger

2024-03-06

تکمیل علاماتِ ممثِّل به آفتاب، مابتاب، اور ستارگان پر مؤرخین، ایڈونٹرم کے پیش روؤں، اور سسٹر وائٹ کی تحریروں میں بھرپور بحث ہو چکی ہے۔ بعض علامات جن کا ذکر یسوع نے کیا، دوسری علامات کی نسبت اتنی معروف نہیں ہیں۔ بہت کم لوگ اس بات کو پہچانتے ہیں کہ "زمین" پر "قوموں کی اضطراب" کی ایک معین تکمیل ہوئی تھی۔ وہ اس امر کے بارے میں واضح نہیں ہیں کہ "آسمان کی قوتوں" کے متزلزل کیے جانے کی علامت کیا ظاہر کرتی ہے، برخلاف اس کے کہ زمین کی قوتوں کے متزلزل ہونے سے کیا مراد ہے۔ اور لاودیکیہ ایڈونٹسٹوں میں سے بہت کم یہ سمجھتے ہیں کہ "ابن آدم کے ایک بادل میں آتے ہوئے آنے" کی "آمد" کی تکمیل میلری تاریخ میں ہوئی تھی۔

«روز دقیق و ساعت آمدن مسیح آشکار نشدہ است. نجات دہندہ بہ شاگردان خود گفت کہ حتی خود او نیز نمی‌تواند ساعت ظهور ثانوی خویش را معلوم سازد. اما او بہ رویدادهای معینی اشارہ کرد کہ بہ وسیلہ آنها بتوانند بدانند کہ آمدن او نزدیک است. او گفت: "و علامت‌ها خواهد بود در آفتاب و ماہ و ستارگان." "آفتاب تاریک خواهد شد و ماہ نور خود را نخواهد داد و ستارگان آسمان فرو خواهند ریخت." او گفت کہ بر زمین "تنگی امت‌ها خواهد بود با حیرت؛ و دریا و امواج آن خروشان خواهند بود؛ و دل‌های مردم از خوف و انتظار آن چیزهایی کہ بر زمین خواهد آمد، از حال خواهد رفت."»

«و آنان پسر انسان را خواهند دید کہ با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید. و او فرشتگان خود را با آوای عظیم شیپور خواهد فرستاد، و آنان برگزیدگان او را از چہار باد، از کران تا کران آسمان، گرد خواهند آورد.»

«نشانه‌ها در خورشید و ماہ و ستارگان تحقق یافتہ اند. از آن زمان، زمین لرزہ‌ها، طوفان‌ها، امواج مدی، وبا‌ها و قحطی‌ها فزونی یافتہ اند. سہمگین‌ترین ویرانی‌ها، بہ وسیلہ آتش و سیل، یکی پس از دیگری با شتابی پی‌پی در پی می‌آیند. فجایع ہولناکی کہ ہفتہ بہ ہفتہ رخ می‌دہند، با لحن‌هایی جدی ہشدار بہ ما سخن می‌گویند و اعلام می‌دارند کہ پایان نزدیک است و این کہ بہ ضرورت، بہ زودی امری عظیم و قاطع بہ وقوع خواهد پیوست.»

«زمان آزمایشی دیگر چندان دوام نخواہد آورد. اکنون خدا دست بازدارندہ خود را از روی زمین برمی‌گیرد. مدت‌ہاست کہ او بہ واسطہ روح القدس خویش با مردان و زنان سخن گفتہ است؛ اما آنان بہ این دعوت اعتنا نکردہ اند. اکنون او بہ وسیلہ داورِی‌های خود با قوم خویش و با جہان سخن می‌گوید. زمان این داورِی‌ها، زمان رحمت برای کسانی است کہ ہنوز فرصتی نیافتہ اند تا حقیقت را بشناسند. خداوند با رأفت بر ایشان نظر خواہد افکند. دل رحمت او بہ جنبش آمدہ است؛ و دست او ہنوز برای نجات دراز است. شمار بسیاری در این ایام آخر، کہ برای نخستین بار حقیقت را خواہند شنید، بہ آغل امان راہ خواہند یافت.» Review and Herald, November 22, 1906

تاریخ میلری بہ تمامی و عیناً در ایام آخر تکرار می‌شود. «نشانه‌هایی» کہ ظہور و تاریخچہ فرشتہ اول را مشخص ساختند، نمونہ «نشانه‌هایی» ہستند کہ ظہور و تاریخچہ فرشتہ سوم را مشخص می‌سازند. ہمہ جنبش‌های مقدس اصلاحی، با جنبش فرشتہ سوم در ایام آخر بہ موازات پیش می‌روند.

«کار خدا در زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح بزرگ یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر از خود نشان می‌دهد. اصول رفتار خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. جنبش‌های مهم زمان حاضر، نظایر خود را در گذشته دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین، درس‌هایی بس گران‌بها برای زمانه ما در بر دارد.» نبرد عظیم، 343.

تاریخی که به وسیله فرشته نیرومند مکاشفه هجده نمایانده شده است، همان فرشته سوم است، و تاریخی که به وسیله فرشته سوم نمایانده شده، به موازات تاریخ فرشتگان اول و دوم در تاریخ میلریتی پیش می‌رود.

خداوند به پیام‌های مکاشفه ۱۴ جایگاهشان را در سلسله نبوت عطا کرده است، و کار آنها تا پایان تاریخ این زمین نباید متوقف شود. پیام‌های فرشته اول و دوم همچنان حقیقت مخصوص این زمان‌اند، و باید به موازات این پیامی که در پی می‌آید پیش روند. فرشته سوم هشدار خود را با آوازی بلند اعلام می‌کند. «بعد از این امور،» یوحنا گفت، «فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شد و قدرتی عظیم داشت، و زمین از جلال او منور گردید.» در این روشنائی، نور هر سه پیام با هم متحد شده است.» The 1888 Materials, 803, 804.

کار فرشته اول و دوم، جس کا توازی فرشته سوم کے کام سے ہے، دس کنواریوں کی تمثیل میں بھی واضح کیا گیا ہے۔

«مرا غالباً به مثل ده باکره ارجاع می‌دهند که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل تا به آخرین حرف تحقق یافته و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» Review and Herald, August 19, 1890

تاریخی که در فصل دهم کتاب مکاشفه به تصویر کشیده شده است، به صورت هفت رعد نمود یافته است، و هفت رعد نمایانگر رویدادهایی هستند که در جریان تاریخ میلری‌ها رخ داد، تاریخی که همان تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم بود. هفت رعد همچنین نمایانگر «وقایع آینده»‌ای هستند که در ایام آخر رخ می‌دهند، و همان‌گونه که در تاریخ میلری‌ها بود، در همان «ترتیب» تحقق می‌یابند.

«نور خاصی که به یوحنا عطا شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از رویدادهایی بود که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع می‌پیوست. ...»

«پس از آن که این هفت رعد صداهای خود را برآوردند، همانند آنچه درباره کتاب کوچک به دانیال گفته شد، این فرمان به یوحنا می‌رسد: "آنچه را هفت رعد برآوردند، مهر کن." اینها به رویدادهای آینده مربوط می‌شوند که در ترتیب خود آشکار خواهند شد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 971

تمام جنبش‌های اصلاحی با یکدیگر موازی‌اند، و باید «حکم بر حکم» در کنار هم آورده شوند تا جنبش نهایی اصلاحی صد و چهل و چهار هزار نفر را به تصویر کشند. مثل ده باکره، تجربه درونی قوم خدا را در جنبش میلری و نیز در جنبش صد و چهل و چهار هزار نفر به تصویر می‌کشد.

«تمثیل دس کنواریوں کا، جو متی 25 میں مذکور ہے، ایڈونٹسٹ لوگوں کے تجربہ کو بھی واضح کرتا ہے.» The Great Controversy, 393.

کار و پیام هر دو گروه میلری‌ها و یکصد و چهل و چهار هزار نفر، به وسیله سه فرشته مکاشفه چهارده به تصویر کشیده شده است.

«من فرصت‌های گران‌بهای برای به‌دست آوردن یک تجربه داشتم. من در پیام‌های فرشته‌اول، دوم و سوم تجربه‌ای داشتم. فرشتگان چنین به تصویر کشیده شده‌اند که در میانه آسمان پرواز می‌کنند، و برای جهان پیامی هشداردهنده را اعلام می‌دارند، پیامی که ارتباطی مستقیم با مردمی دارد که در روزهای آخر تاریخ این زمین زندگی می‌کنند. هیچ‌کس صدای این فرشتگان را نمی‌شنود، زیرا آنان نمادی هستند برای نمایاندن قوم خدا که در هماهنگی با عالم آسمان مشغول کارند. مردان و زنانی که به‌وسیله روح خدا روشن شده‌اند و به‌واسطه حقیقت تقدیس یافته‌اند، این سه پیام را به‌ترتیب خود اعلام می‌کنند.» Life Sketches, 429.

وقایع نبوی بازنموده‌شده در باب دهم مکاشفه، به‌وسیله هفت رعد بازنموده شده‌اند. آن وقایع نقطه‌ای را مشخص می‌کنند که در آن امر الهی با امر انسانی متحد می‌شود. «نشانه‌هایی» که مسیح در باب بیست و چهارم متی، باب سیزدهم مرقس و باب بیست و یکم لوقا مشخص کرد، همان «نشانه‌هایی» را باز می‌نمایند که جنبش میلری را آغاز کردند و نیز شهادتی موازی با حرکت یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر به‌شمار می‌آیند. آن یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر، چنان‌که به‌وسیله اخنوخ و ایلیا بازنموده شده است، طعم مرگ را نمی‌چشند. یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، یعنی «نشانه‌ای» که مسیح آن را به‌عنوان علامت فرا رسیدن آخرین نسل تاریخ زمین مشخص کرد، در باب بیست و یکم لوقا معرفی شده است. قرار گرفتن در شمار آن گروهی که به‌وسیله اخنوخ و ایلیا بازنموده شده‌اند، و «یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر» خوانده می‌شوند، مستلزم آن است که آن «نشانه» و تمام آنچه را که نمایندگی می‌کند، شناخته شود.

پس از آن‌که عیسی شاگردان خود را در طول تاریخ «نشانه‌ها»یی که آغازگر جنبش میلریتی بودند هدایت کرد، سپس شهادت تاریخی خود را تکرار و بسط داد، بدین‌گونه که تمثیلی را نیز دربر گرفت که همان تاریخ را باز می‌نمود.

و برای ایشان مثلی آورد و گفت: «به درخت انجیر و همه درختان بنگرید؛ چون اکنون جوانه می‌زنند، خود از پیش خود می‌بینید و می‌دانید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز، چون این امور را واقع‌شونده ببینید، بدانید که پادشاهی خدا نزدیک است. هرآینه به شما می‌گویم، این نسل نخواهد گذشت تا آنکه همه اینها به انجام رسد. آسمان و زمین زایل خواهد شد، لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.» لوقا ۲۱:۲۹-۳۳.

عیسی این مثل را با مشخص ساختن تمایزی میان «درخت انجیر» به‌صورت مفرد، و «همه درختان» آغاز می‌کند. «درخت انجیر» قوم عهد است که در ایام آخر، ادونتیسیم لائودیکیه‌ای است؛ آنان که اقرار می‌کنند قوم باقی‌مانده خدا هستند. «درختان» دیگر، امت‌ها بودند.

prokletí fíkovníku, který představuje židovský národ, pokrytý listím vyznání, 59–61,,
avšak nenachází se na něm žádné ovoce. Kletba je vyslovena nad fíkovníkem, jenž
představuje mravní, myslící, živou bytost, Bohem prokletou, žijící, jako žili Židé po této
události ještě čtyřicet let, a přece mrtvou. Povšimněte si: ostatní stromy, představující
pohany, nebyly pokryty. Byly bez listí a nijak nepředstíraly, že mají známost Boha.
Jejich čas k nesení ovoce ještě nenastal." Special Testimonies for Ministers and
Workers, číslo 7, 59–61,,

ادونتیسیم لائودیکایی در ایام آخر ملعون است؛ زیرا هرچند مدعی است که قوم باقی‌مانده خداست، ادعای آن بی‌ثمر است. عیسی در این عبارت دو نکته به‌هم پیوسته، اما متمایز را بیان می‌کند. او تمایز میان قوم مدعی خدا و امت‌ها را مشخص می‌سازد؛ امت‌هایی که ادعا نمی‌کنند شریعت خدا را نگاه می‌دارند یا روح نبوت را دارا هستند، که اینها ویژگی‌های باقی‌مانده ایام آخر است، و ادونتیسیم

لائودیکایی مدعی پایبندی به آنهاست. برگ‌ها در ایام آخر نمایانگر ادعای این هستند که همان باقی‌مانده‌ای‌اند که یوحنا در کتاب مکاشفه معرفی کرده است.

«جهان امت‌ها به وسیله درختان انجیر بی‌برگ و بی‌ثمر نمودار شده بود. امت‌ها، همانند یهودیان، از دینداری تهی بودند؛ اما ادعا نکرده بودند که در مقبولیت خدا به سر می‌برند. آنان هیچ فخری به روحانیت متعالی نداشتند. ایشان از هر جهت نسبت به راه‌ها و اعمال خدا نابینا بودند. نزد آنان هنوز زمان انجیرها نرسیده بود. آنان همچنان چشم‌به‌راه روزی بودند که برای ایشان نور و امید به ارمغان آورد.» Signs of the Times, February 15, 1899.

تمایز میان درخت انجیر و سایر درختان، به وسیله مسیح با تمایزی دیگر نیز مشخص گردید. زمان جوانه‌زدن درختان برای انجیرها، با زمان جوانه‌زدن درختان امت‌ها متفاوت بود. در ایام آخر، «دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود»، و نخستین صدا از فرشته مکاشفه، باب هجده، زمانی را مشخص می‌کند که جوانه‌زدن آن یکصد و چهل و چهار هزار تن می‌بایست رخ دهد. «صدای دوم» در مکاشفه هجده، زمانی را نشان می‌دهد که سایر درختان می‌بایست جوانه بزنند.

در روزگار مسیح، یهودیان درخت انجیر بودند و امت‌ها سایر درختان. در تاریخ میلریتی، پروتستان‌ها درخت انجیر بودند و میلریتی‌ها سایر درختان. در ایام آخر، ادونتیسیم لائودیکیه همان درخت انجیر بی‌ثمر است که از اورشلیم (تاکستان) برداشته می‌شود، و صد و چهل و چهار هزار، درختان انجیری هستند که ثمر می‌آورند. دیگر فرزندان خدا که هنوز در بابل‌اند، به امت‌ها تمثیل شده‌اند.

تعریف کے مطابق "غیر قوم" ایک "اجنبی" ہے۔ غیر اقوام کے درخت اس وقت ساکن (مردہ) ہوتے ہیں، ان میں نہ کلیاں ہوتی ہیں نہ پھل، جب انجیر کا درخت کلی نکالتا اور زندہ ہو جاتا ہے۔ ساکن درخت ایک خشک درخت ہوتا ہے، اور جب غیر اقوام کو مکاشفہ باب اٹھارہ کی دوسری آواز کے ذریعے بابل سے نکل آنے کے لیے بلایا جائے گا، تو وہ تب ساتویں دن کے سبت کو ماننے کا انتخاب کریں گے اور خداوند کے ساتھ عہد میں داخل ہوں گے۔

نہ پسر غریب کہ خویشتن را به خداوند پیوسته است، بگوید: «خداوند مرا به کلی از قوم خویش جدا ساخته است»؛ و خصی نیز نگوید: «اینک من درختی خشک هستم.» زیرا خداوند به خصیانی که سبت‌های مرا نگاه می‌دارند، و آنچه را که خشنودی من در آن است برمی‌گزینند، و به عہد من متمسک می‌شوند، چنین می‌گوید: «بدیشان، در خانہام و در اندرون دیوارهایم، مکانی و نامی خواہم داد بہتر از پسران و دختران؛ ایشان را نامی جاودانہ خواہم بخشید کہ منقطع نخواہد شد. و نیز پسران غریب را کہ خویشتن را بہ خداوند می‌پیوندند تا او را خدمت نمایند، و نام خداوند را دوست بدارند، و بندگان او باشند، یعنی ہر کہ سبت را از پی‌حرمت ساختن نگاه دارد و بہ عہد من متمسک شود، ایشان را نیز بہ کوه مقدس خویش خواہم آورد، و در خانہ دعای خویش شادمان خواہم ساخت؛ قربانی‌های سوختنی ایشان و ذبایح ایشان بر مذبح من مقبول خواہد افتاد؛ زیرا خانہ من برای جمیع قوم‌ها خانہ دعا نامیدہ خواہد شد.» اشعیا ۵۶:۳-۷.

یک بیگانه «امت» است، و «ندای دوم» ایشان را فرا می‌خواند کہ از بابل بیرون آیند، و آنان بہ کوه مقدس خدا آورده می‌شوند؛ آنگاه آن، کوه «مقدس» او خواہد بود، زیرا گندم و علف‌های ہرز بہ واسطهٔ فرایند آزمونی کہ در تاریخچہ «ندای اول» بازنمایی شدہ است، از یکدیگر جدا شدہ خواہند بود. ہنگامی کہ ایشان در ایام آخر بہ کوه خداوند بیایند، امت‌ها دیگر نہ بیگانہ خواہند بود و نہ درختان خشک.

آفتاب و ماہ تاریک خواہند شد، و ستارگان درخشش خویش را بازخواہند گرفت. و خداوند نیز از صہیون غریبہ، و آواز خود را از اورشلیم برخواہد آورد؛ و آسمان‌ها و زمین متزلزل خواہند شد؛ اما خداوند امید قوم خویش و قوت بنی اسرائیل خواہد بود. پس خواہید دانست کہ من یہوہ،

خدای شما، هستم که در صهیون، کوه مقدس من، ساکنم؛ آنگاه اورشلیم مقدس خواهد بود، و دیگر هیچ بیگانه‌ای از میان آن عبور نخواهد کرد. یوئیل ۱۵:۳-۱۷

آغاز آن تاریخ که در آن «صدای دوم» گله دیگر خدا را از بابل فرا می‌خواند، دارای «نشانه‌هایی» است که به واسطه نشانه‌های جنبش میلری به گونه‌ای نمونه‌وار پیش‌نمایانده شده بود. در متی فصل بیست و چهار، مرقس فصل سیزده و لوقا فصل بیست و یک، شهادت مسیح که اکنون مورد بررسی ماست بیان گردیده است. در هر یک از آن سه شاهد، یکی از «نشانه‌های» معین شده این است که قوای آسمان به لرزه درخواهند آمد؛ اما در بیان یوئیل از «نشانه‌هایی» که معلوم می‌سازند چه هنگام اورشلیم «مقدس» خواهد بود، هم «آسمان‌ها و هم زمین خواهند لرزید.»

یوئیل در حال شناسایی تحقق کامل و بی‌نقص «علامات» پیشگویی شده‌ای است که هنگامی رخ می‌دهند که اورشلیم مقدس است. آن زمان، زمانی است که خداوند گناهان را از صد و چهل و چهار هزار نفر برداشته است، و کلیسای لائودیکیه به حرکت فیلادلفیا انتقال یافته است. آنگاه است که حرکت ششم (فیلادلفیا)، حرکت هشتم (فیلادلفیا) می‌گردد، که از آن هفت کلیساست. آنگاه است که کلیسای مجاهد به کلیسای ظافر مبدل می‌شود. کلیسای مجاهد عنوانی است برای کلیسای خدا که از گندم و کرکاس‌ها تشکیل شده است. کلیسای ظافر کوه مقدس خداست که «مقدس» است، و «دیگر هیچ بیگانه‌ای از آن عبور نخواهد کرد.»

رونمایی آن علمی که برافراشته شده است، که همان کلیسای ظافر است، که همان «هشتمی است که از آن هفت است»، که همان زمانی است که اورشلیم «مقدس» است، با «نشانه‌ها» همراه است. تا عیسی برای قوم خود نقطه مرجعی فراهم آورد تا «نشانه» حیات یا ممات را، که مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را معرفی می‌کند، بازشناسند، از درختان و از چرخه طبیعی زندگی درخت بهره گرفت تا آن درس غایت‌مهم را تعلیم دهد.

«مسیح به قوم خود فرمان داده بود که منتظر نشانه‌های آمدن او باشند و چون علایم پادشاهی را که در راه است ببینند، شادی کنند. او گفت: "و چون این چیزها شروع به واقع شدن کند، آنگاه به بالا بنگرید و سرهای خود را برافرازید، زیرا رستگاری شما نزدیک می‌شود." او پیروان خود را به درختان شکوفای بهار اشاره کرد و گفت: "چون اکنون جوانه می‌زنند، خودتان می‌بینید و درمی‌یابید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز، چون ببینید این چیزها واقع می‌شود، بدانید که ملکوت خدا نزدیک است." لوقا ۲۱:۲۸، ۳۰، ۳۱.» نبرد عظیم، ۳۰۸.

جب بهار که درختون میں کلیاں پھوٹنے لگتی ہیں، تو گرما نزدیک ہوتا ہے۔

فصل درو گزر گیا، گرمی کا موسم تمام ہوا، اور ہم نجات نہ پا سکے۔ یرمیاہ ۸:۲۰.

درختان جوانه زده نشان می‌دهند که بهار است، و آنگاه درمی‌یابیم که تابستان نزدیک است؛ و در تابستان است که محصول گردآوری می‌شود.

دین من چپ هغوی یپ و کرل، ابلیس دی؛ حاصل د نری پای دی؛ او ربیونکی فرین تپ دی. متی ۱۳:۳۹.

برداشت در پایان جهان است. هنگامی که درختان آغاز به جوانه زدن می‌کنند، شما مأمورید بدانید که پایان جهان قریب الوقوع است.

«نباید گفته‌ای از نجات‌دهنده را وسیله ابطال گفته‌ای دیگر ساخت. هرچند هیچ کس روز و ساعت آمدن او را نمی‌داند، به ما تعلیم داده شده و از ما خواسته شده است که بدانیم چه زمانی نزدیک است. افزون بر این، به ما آموخته شده است که بی‌اعتنایی به هشدار او، و امتناع یا غفلت از

دانستن زمان نزدیکی ظهور او، برای ما همان قدر مهلك خواهد بود كه برای آنان كه در روزگار نوح می زیستند، ندانستن زمان آمدن طوفان بود.» The Great Controversy, 371.

ما در مقاله بعدی به مطالعه خود درباره فصل بیست و یکم انجیل لوقا ادامه خواهیم داد.

ਅਨੁਸਾਰ ਕ੍ਰਮ ਘਟਨਾਵਾਂ ਅਤੇ ਹਨ ਰਹੀਆਂ ਜਾ ਹਲਿਾਈਆਂ ਹੁਣ ਸ਼ਕਤੀਆਂ ਦੀਆਂ ਧਰਤੀ ਕੀ ਦੇਖਿਆ ਮੈਂ
ਧਰਤੀ ਪਹਿਲਾਂ ਤੋਂ ਸਭ ਮਹਾਂਮਾਰੀ ਅਤੇ, ਕਾਲ, ਤਲਵਾਰ, ਅਫ਼ਵਾਹਾਂ ਦੀਆਂ ਯੁੱਧਾਂ ਅਤੇ, ਯੁੱਧ। ਹਨ ਆਉਂਦੀਆਂ
, ਹਲਿਾਈਗੀ ਨੂੰ ਤਾਰਿਆਂ ਅਤੇ ਚੰਦਰਮਾ, ਸੂਰਜ ਆਵਾਜ਼ ਦੀ ਪਰਮੇਸ਼ੁਰ ਫਰਿ; ਹਨ ਹਲਿਾਉਂਦੀਆਂ ਨੂੰ ਸ਼ਕਤੀਆਂ ਦੀਆਂ
, ਹਨ ਸਖਿਾਂਦੇ ਲੋਕ ਕੁਝ ਜਵਿੰ, ਜਾਣਾ ਹਲਿਾਇਆ ਦਾ ਸ਼ਕਤੀਆਂ ਵੱਚ ਯੂਰਪ ਕੀ ਦੇਖਿਆ ਮੈਂ। ਵੀ ਧਰਤੀ ਇਹ ਅਤੇ
»। ਹੈ ਜਾਣਾ ਹਲਿਾਇਆ ਦਾ ਕੌਮਾਂ ਕ੍ਰੇਧਤਿ ਇਹ ਪਰ, ਹੈ ਨਹੀਂ ਜਾਣਾ ਹਲਿਾਇਆ ਦਾ ਸ਼ਕਤੀਆਂ ਦੀਆਂ ਆਕਾਸ਼

Early Writings, 41.